

قالبیاف «قانون ملی توسعه هوش

مصنوعی» را به پزشکیان ابلاغ کرد

رئیس مجلس شورای اسلامی مطابق اصل ۱۲۳ قانون اساسی، «قانون ملی توسعه هوش مصنوعی» را به رئیس‌جمهور ابلاغ کرد.

به گزارش تسنیم، محمدباقر قالبیاف اظهار کرد: مطابق اصل ۱۲۳ قانون اساسی، «قانون ملی توسعه هوش مصنوعی» مصوب ۲۸ مرداد ۱۴۰۵ مجلس شورای اسلامی که ۴ شهریور جاری به تأیید شورای نگهبان رسید، به رئیس‌جمهور ابلاغ شد. قانون فوق مشتمل بر ۱۲ ماده و ۸ تبصره است که گزارش آن توسط کمیسیون صنایع و معادن به صحن مجلس تقدیم شده بود.

بر اساس ماده ۲ این قانون، با هدف ساماندهی و توسعه زیست‌بوم هوش مصنوعی، سازمان ملی هوش مصنوعی به عنوان یک سازمان مستقل و دبیرخانه شورای ملی راهبری صرفا با استفاده از امکانات و اعتبارات و نیروی انسانی موجود و با رعایت قوانین و مقررات تشکیل می‌شود و ذیل ریاست‌جمهوری فعالیت می‌کند.

■ ■ ■

سرپرست وزارت دفاع با اشاره به

دستاوردهای جدید دفاعی ایران خبرداد

پیشرفت‌های نظامی در حوزه فناوری

سرپرست وزارت دفاع اظهار کرد: دلیل پافشاری دشمن بر تهدیدات گذشته، نشانه‌ای از زایل شدن قدرت عقلانیت آن است.

به گزارش تسنیم، سردار سرتیپ پاسدار سیدمجید ابن‌الرضا در جمع مدیران سازمان‌های صنعتی وزارت دفاع با اشاره به تهدیدات تکراری دشمن و سخن‌پرانی برخی مقامات آمریکا تاکید کرد: برخی مقامات آمریکا تصور می‌کنند با تکرار تهدیدات می‌توانند اراده ما را تغییر دهند یا جمهوری اسلامی را مرعوب کنند اما سخت در اشتباهند.

وی افزود: دلیل پافشاری دشمن بر تهدیدات گذشته، بیش از آنکه نشانه قدرت باشد، نشانه‌ای از فلج شدن دستگاه اطلاعاتی و تحلیلی و در نهایت زایل شدن قدرت عقلانیت آنان است، چرا که اگر دستگاه اطلاعاتی و تحلیلی یک مجموعه بتواند واقعیت‌های میدان را پد رستی ببیند و تحلیل کند، نمی‌تواند همچنان بر گزاره‌ها و تهدیداتی اصرار داشته باشد که بارها نادرستی آنها به اثبات رسیده است.

سردار ابن‌الرضا تصریح کرد: دشمن باید این واقعیت بسیار ساده و روشن را بفهمد که با ایران نباید با تهدید صحبت کرد. نظام جمهوری اسلامی ایران و دستگاه محاسباتی ما هیچ ارزشی برای تهدیدات آنان قائل نیست و اساسا این تهدیدات از نظر ما ارزش عملیاتی ندارد و بیشتر یک پیام سیاسی یا بیابیه است تا تهدیدی که پشت آن قابلیت واقعی نظامی وجود داشته باشد.

وی ادامه داد: با اطمینان بسیار بالایی می‌گویم اگر امروز جنگ دیگری شکل بگیرد، جمهوری اسلامی از نظیر فناوری‌به بسیار قدرتمندتر و پیشرفته‌تر از جنگ‌های قبل عمل خواهد کرد. کسانی که تلاش می‌کنند استمرار فعالیت‌های فناوری‌ها و خطوط تولید و کارخانه‌های تسلیحاتی کشور را صرفا یک روایت یا تیتز رسانه‌ای جلوه دهند، در میدان به‌خوبی توان نیروهای مسلح ما را دیدند. آنچه بعضا به نمایش گذاشته می‌شود، بخش کوچکی از توانمندی واقعی و ظرفیت‌های موجود در صنعت دفاعی کشور است و این مسیر همچنان با قدرت ادامه دارد.

سردار ابن‌الرضا با تاکید بر اینکه امروز ایران قوی‌تر، متحدتر و بیدارتر از هر دوره تاریخ خودش است، افزود: توانمندی‌های دفاعی و فناوری‌انه کشور نیز متناسب با تجربه‌ها و آموخته‌های حاصل از میدان، مسیر پیشرفت و ارتقا را طی کرده است.

وی با اشاره به هماهنگی میان سطوح مختلف کشور گفت: امروز هماهنگی کاملی میان سطوح مختلف کشور وجود دارد و این هماهنگی‌بی‌سابقه و کم‌نظیر در فرآ یند تصمیم‌گیری‌ها نیز وجود دارد و کشور با انسجام و هماهنگی کامل، بی‌وقفه و پرشتاب و بانشاط در حال حرکت است.

سرد ابن‌الرضا خاطر نشان کرد: آمادگی کامل برای مقابله با تهدیدات وجود دارد و این آمادگی کاملا از جنس توانمندی‌ها و راهبردهای مستقل خودمان است. جمهوری اسلامی ایران برای تأمین امنیت و دفاع از منافع خود، متکی به اراده، توانمندی و ظرفیت‌های بومی است.

■ ■ ■

متخصصان روس‌اتم در راه ایران

مدیرعامل شرکت روس‌اتم اعلام کرد تعدادی دیگری از متخصصان این شرکت در راه ایران هستند.

به گزارش تسنیم، الکسی لیخاچف خبر داد تعدادی از متخصصان این شرکت در چارچوب تعمیرات برنامه‌ریزی‌شده واحد نخست نیروگاه اتمی بوشهر وارد ایران خواهند شد.

وی در حاشیه اجلاس سران بریکس در دهلی افزود: تاکنون ۴۷ متخصص این شرکت به نیروگاه هسته‌ای بوشهر در ایران بازگشته‌اند و قرار است تعداد آنها به ۱۵۰ نفر افزایش یابد.

رئیس شرکت روس‌اتم پیش از این گفته بود: روند بازگشت متخصصان روس به نیروگاه هسته‌ای بوشهر ادامه دارد و در حال حاضر ۴۲ کارمند روس‌اتم در آنجا حضور دارند.



تسلط کامل انصارالله بر باب‌المندب

چگونه دست برتر جبهه مقاومت در معادلات میدانی جنگ را تثبیت کرد

برگ برنده جدید

دریای سرخ منتقل می‌کند.

این خط لوله نفت عربستان را بدون عبور از تنگه هرمز به دریای سرخ می‌رساند تا از آنجا امکان صادرات دریایی فراهم شود. ظرفیت این خط لوله ۷ میلیون بشکه در روز است و ۵ میلیون بشکه نفت در روز از طریق ینع قابل صادرات است.

حالا اما مشکل جدیدی برای واشنگتن و ریاض شکل گرفته: اگر باب‌المندب نیز در وضعیت مشابه هرمز قرار گیرد، مسیر جایگزین عربستان هم با یک گلوگاه جدید مواجه خواهد شد. اتفاقا تحولات چند روز اخیر نشان می‌دهد این مساله دیگر صرفا یک فرضیه نظری نیست.

■ **روایت «هرمز مهم نیست» دیگر جواب نمی‌دهد**

این تحول از یک جهت دیگر نیز اهمیت دارد؛ از منظر جنگ روایت‌ها. در هفته‌های گذشته، هم‌زمان با بسته ماندن هرمز و افزایش فشار اقتصادی ناشی از آن بر آمریکا و دنیا، بخشی از رسانه‌ها و محافل نزدیک به واشنگتن تلاش کردند اهمیت این اتفاق را این روایت تا حدی بر یک واقعیت فنی استوار بود: عربستان به معنای فروپاشی صادرات نفت منطقه نیست، چرا که سعودی و برخی دیگر از کشورهای منطقه می‌توانند با استفاده از مسیرهای جایگزین، بخشی از نفت خود را از طریق دریای سرخ صادر کنند. این روایت تا حدی بر یک واقعیت فنی استوار بود: عربستان واقعا دارای زیرساخت‌هایی برای دور زدن هرمز است و خط لوله شرق – غرب یکی از مهم‌ترین آنهاست، حتی در مقطعی گزارش شد این خط لوله با ظرفیت کامل خود فعالیت می‌کند و صادرات نفت از ینع به ۵ میلیون بشکه در روز رسیده است.

مساله اما این است که مسیر جایگزین نیز در نهایت به یک نقطه حساس وابسته است: باب‌المندب. اکنون که انصارالله پس از تصرف مخا، کنترل نقاط ساحلی بیشتری را به دست آورده و در نهایت به پریم، جزیره واقع در میانه باب‌المندب رسیده است و از سوی تا توجه به حمله اخیر به خط لوله شرق به غرب سعودی، آن استدلال دیگر به‌سادگی قابل تکرار نیست.

آسیب‌پذیری جبهه مقابل، نه الزاما داخل خلیج فارس، بلکه در

آبراه باب‌المندب و ساحل دریای سرخ در حال فعال شدن است.

■ **جبهه‌ای که از جنوب باز شد**

در روزهای اخیر، انصارالله یمن یک عملیات برق‌ا‌سار را در امتداد ساحل دریای سرخ آغاز و در مدت کوتاهی دستاوردهای میدانی قابل توجهی کسب کرده است. مهم‌ترین نقطه این پیشروی، تصرف بندر مخا در جنوب غرب یمن است؛ شهری که از نظر موقعیت جغرافیایی به باب‌المندب نزدیک است و دروازه‌ای مهم برای نزدیک شدن به این آبراه استراتژیک محسوب می‌شود.

اهمیت ماجرا صرفا به تصرف یک بندر محدود نماند. پس از آن، نیروهای انصارالله به جزایر راهبردی دریای سرخ و در نهایت به جزیره پریم یا میون رسیدند؛ جزیره‌ای که در میانه باب‌المندب قرار دارد و این آبراه را به ۲ مسیر دریایی تقسیم می‌کند. با استقرار انصارالله در این جزیره، عملا اشراف آن بر یکی از مهم‌ترین گلوگاه‌های دریایی جهان تکمیل شد.

باب‌المندب یکی از ۲ گلوگاه اصلی انرژی و تجارت در غرب آسیاست. همان‌گونه که تنگه هرمز در شرق شبه‌جزیره عربستان مسیر ورود و خروج انرژی از خلیج فارس را کنترل می‌کند، باب‌المندب نیز در غرب شبه‌جزیره، ارتباط دریای سرخ با خلیج عدن و مسیر اقیانوس هند را در اختیار دارد. به همین دلیل است که حالا یک تصویر جدید در حال شکل‌گیری است: جمهوری اسلامی در هرمز و انصارالله در باب‌المندب.

■ **راه فرار سعودی بسته می‌شود**

شاید مهم‌ترین اثر مستقیم تحول جدید، متوجه عربستان و در پس پرده آمریکا باشد. از زمانی که با مسدود شدن تنگه هرمز توسط ایران، تردد نفتکش‌ها و شناورها به صفر رسید، ریاض تلاش کرد صادرات نفت خود را از مسیر دیگری انجام دهد. آل‌سعود برای این کار بیش از گذشته به زیرساخت انتقال نفت از شرق به سواحل دریای سرخ متکی شد. یعنی خط لوله شرق – غرب که نفث را از مناطق نفت‌خیز شرق عربستان به بندر ینبع در ساحل

ایران و عمان ترتیبات دریایی هرمز را نهایی کردند

تمکین اعراب به نظر ایران

این توافق و ارائه مستندات و نقشه‌های مربوط به کشورهای شرکت‌کننده، مجموعه این اسناد در نهایت برای سازمان بین‌المللی دریانوردی ارسال خواهد شد تا در چارچوب سازوکارهای این سازمان ثبت شود.

این توضیحات از آن جهت اهمیت دارد که تهران، نشست مسقط را نه به عنوان نشستی برای مذاکره درباره اصل وضعیت تنگه هرمز، بلکه به عنوان مرحله‌ای برای تشریح ترتیباتی می‌داند که در صورت فراهم شدن شرایط لازم برای بازگشت تردد دریایی، مبنای عبور و مرور کشتی‌ها در تنگه قرار خواهد گرفت.

عراقچی در همین زمینه تأکید ویژه‌ای بر یک نکته داشت: توافق ایران و عمان به هیچ‌وجه به معنای بازگشایی تنگه هرمز نیست. به گفته وی، این تفاهم صرفا چارچوب و ترتیباتی را مشخص می‌کند که در صورت فراهم شدن شرایط بازگشایی هرمز، تردد دریایی بر اساس آن انجام خواهد شد.

مهم‌ترین بخش اظهارات عراقچی به شرط ایران برای بازگشایی تنگه هرمز مربوط می‌شود؛ بازگشت آمریکا به تعهداتی که در تفاهمنامه اسلام‌آباد پذیرفته و امضا کرده است.

عراقچی صراحتا گفت: اگر آمریکا به تعهدات خود در تفاهمنامه اسلام‌آباد بازگردد و به آنها عمل کند، زمینه بازگشت وضعیت تنگه هرمز به حالت عادی فراهم خواهد شد.

به عبارت دیگر، تفاهم با عمان صرفا یک سازوکار فنی و دریایی برای نحوه تردد در آینده است و به خودی خود هیچ تغییری در وضعیت فعلی هرمز ایجاد نمی‌کند. از طرف دیگر، نقشه‌های جدید دریایی آماده شده‌اند اما اجرای آنها به فراهم شدن شرایط مورد نظر ایران وابسته است.

به همین دلیل، اتفاقی که اکنون در حال شکل‌گیری است، می‌تواند یک محاصره انرژی برای متحندان آمریکا در منطقه ایجاد کند؛ محاصره‌ای که در آن حتی اگر عربستان بخواهد از هرمز عبور نکند، مسیر جایگزین آن نیز بسته خواهد بود.

■ **۲ تنگه، یک بحران**

خبرگزاری رویترز در گزارشی درباره پیشروی انصارالله هشار داد بسته شدن یا اختلال جدی در باب‌المندب می‌تواند ۷ درصد جریان جهانی نفت و نزدیک به ۱۲ درصد تجارت جهانی را تحت تأثیر قرار دهد. این رقم زمانی اهمیت بیشتری می‌یابد که آن را در کنار تحولات تنگه هرمز قرار دهیم.

به همین دلیل یکی از مقام‌های پیشین دولت آمریکا که خبرگزاری انگلیسی با او گفت‌وگو کرده، وضعیت ایجادشده را بدترین سناریو برای واشنگتن توصیف کرده است: ایران و گروه‌های همسو با تهران می‌توانند بر هر ۲ گلوگاه اصلی انرژی دنیا کنترل داشته باشند.

واشنگتن اکنون با یک انتخاب دشوار مواجه است؛ اگر بخواهد مستقیما با انصارالله وارد جنگ شود، باید نیروهای دریایی و هوایی بیشتری وارد میدان کند؛ در حالی که ارتش تروریست آمریکا همین حالا درگیر جنگ فرسایشی با ایران است و منابع نظامی آن تحت فشار قرار گرفته، بویژه آنکه ترامپ پیش از این نیز کارت درگیری مستقیم با انصارالله را خرج کرده و نتیجه نگرفته است. اگر هم وارد جنگ نشود، باید بپذیرد یکی از مهم‌ترین متحدان منطقه‌اش – عربستان – در برابر یک تهدید فزاینده در مرزهای جنوب خود تنها بماند.

رویترز به همین دلیل نوشت ورود آمریکا به جنگ علیه انصارالله می‌تواند یک مأموریت خطرناک جدید برای ارتشی باشد که همین حالا نیز درگیر جنگ علیه ایران است. علاوه بر این، مقابله با حملات موشکی و پهپادی انصارالله می‌تواند ذخایر محدودشده موشک‌های رهگیر و مهمات پدافندی آمریکا را بیش از پیش کاهش دهد.

■ **اعتراف واشنگتن بست به عمیق‌تر شدن باتلاق**

شاید مهم‌تر از همه این‌ها، اعتراف صریح رسانه‌های آمریکا به تغییر معادله باشد. روزنامه واشنگتن پست در گزارشی که روز گذشته منتشر کرد، صراحتا نوشت با فعال شدن متحندان ایران در یمن و عراق، «باتلاق خاورمیانه‌ای ترامپ» عمیق‌تر شد. این روزنامه تأکید کرد ۲ کریدور مهم انرژی جهان، تنگه هرمز و باب‌المندب، عملا تحت کنترل ایران و نیروهای همسو با این کشور قرار گرفته‌اند.

واشنگتن پست نتیجه این وضعیت را کاملا روشن توصیف کرد: اقتصاد جهان که پیش از این نیز تحت فشار بود، در حال تحمل ضربهای جدید است.

واشنگتن پست در بخش دیگری از گزارش خود به نقل از آدام بارون، پژوهشگر برنامه امنیت آینده در مؤسسه نیوامریکا نوشت این وضعیت نشان داد شبکه منطقه‌ای ایران تا چه اندازه «قوی، یکپارچه و سازگار» عمل می‌کند. به تعبیر او، این همان لحظه‌ای است که این شبکه برای آن طی سال‌ها آماده شده بود.

این نکته بسیار مهم است، زیرا اگر تحولات یمن، عراق و خلیج فارس را جدا از یکدیگر ببینیم، ممکن است صرفا با چند مساله مستقل مواجه باشیم اما اگر آنها را در قالب یک منظومه‌واحد تحلیل کنیم، تصویر متفاوتی شکل می‌گیرد: هر بار آمریکا تلاش می‌کند فشار را در یک نقطه کاهش دهد، نقطه دیگری فعال می‌شود.

اگر ایران و یمن را در یک جبهه و آمریکا، سعودی و سایر کشورهای حاشیه خلیج فارس را در جبهه مقابل قرار دهیم، آنگاه می‌توان روند تحولات ۶ ماه گذشته را از زاویه‌ای متفاوت بررسی کرد. در یک سوی میدان، ایران توانسته آبراه راهبردی هرمز را به یک ابزار ژئوپلیتیک تبدیل کند و هم‌زمان انصارالله در یمن در حال تثبیت موقعیت خود در باب‌المندب است. در سوی دیگر، عربستان مجبور شده برای حفظ صادرات نفت خود به مسیرهای جایگزین متوسل شود اما همان مسیرها نیز اکنون با تهدید جدی یمن مواجهند. آمریکا نیز باید میان ورود به یک جنگ جدید با انصارالله و پذیرش آسیب‌پذیری متحندانش و شکست راهبردی دیگری از ایران، یکی را انتخاب کند.

حتی درخواست محمد بن‌سلمان از ترامپ برای کمک نظامی مستقیم علیه انصارالله و امتناع فعلی واشنگتن از ورود مستقیم به جنگ، خود نشانه‌ای از همین وضعیت است. رویترز گزارش داد رئیس‌جمهور آمریکا فعلا به جای مداخله مستقیم، پیشنهاد کمک اطلاعاتی را مطرح کرده است.

شاید برای اینکه با قطعیت بگوییم عبارت کلیدی رهبر انقلاب اسلامی در ۲۱ اسفند دقیقا به تحولات یمن اشاره داشته، زود باشد اما پس از ۶ ماه، آنچه در یمن اتفاق افتاده دست‌کم از منظر نتیجه راهبردی، به‌شدت با این منطق همخوانی دارد.

درست در شرایطی که آمریکا تلاش می‌کند فشار جنگ را به داخل ایران محدود کند و از هزینه‌های مستقیم نظامی خود بکاهد، یک جبهه دیگر در نقطه‌ای باز شده که واشنگتن برای مدیریت آن با انتخاب‌های دشواری روبه‌رو است و راه فراری برای خود و شریک سعودی‌اش نمی‌بیند.



■ **امنیت منطقه بدون نسخه خارجی**

بخش دیگری از گفت‌وگوی عراقچی به فلسفه بر گزارش این نشست و نگاه تهران به امنیت غرب آسیا مربوط بود. وزیر امور خارجه با اشاره به اینکه مسؤولیت تأمین امنیت و ثبات منطقه بر عهده خود کشورهای منطقه است، تأکید کرد: کشورهای منطقه باید درباره مسائل و چالش‌های مشترک خود با یکدیگر گفت‌وگو و رایزی کنند.

به گفته عراقچی، جمهوری اسلامی طی سال‌های گذشته همواره بر گفت‌وگو، اعتمادسازی و همکاری میان کشورهای